

DOI: 10.22111/jsse.2021.34881.1031

Original Research

Relationship of National Convergence with Hydropolitic Approach, Case Study: Dam Construction Projects in East Turkey

Ahmad Rashidi Nejad¹, Morad Kaviani Rad² & Afshin Motaghi dastnaie³

Received: November 02, 2019; Revised: May 12, 2020; Accepted: May 31, 2020

Abstract

All countries depending on their scope and the number of population has regional diversity that sometimes includes a variety of economic and political regionalism in view of type, depth and environmental perception of territorial officials. In any case, it has the potential to threaten the stability of the political system and the integrity of the country. Thus, the effort for the existence of the political and spatial units in the form of protection of national integrity and territorial unity has always been one of the top priorities of all regimes. The research findings show when justice in distribution of the opportunities in national scale declines due to the cultural incongruity, regional divergence will rise. In this regard, the governments depending on the type of the threats adopt different security strategies. The majority of the population of Southeastern Turkey lives across Dajlah and Furat Rivers are Kurds who have been in conflict with the central government for several recent decades. During this period, the territorial officials of this country have intended to use the water capacities of this part of the country to provide the ground for the development and convergence of the deprived Kurdish regions. The present article which is descriptive-analytic in nature and its required data has been collected by the library method based on the hypothesis that the hydro political strategy of the Turkish territorial officials for the economic development of the Kurdish regions of southeastern Anatolia is aimed at maintaining territorial integrity and reducing support of the regionalist Kurd events. The results indicate that the leaders of the Turkish government, in addition to the economic benefits arising from the development of water structures and infrastructure, pursue the use of geographical and engineering elements to maintain and strengthen national integrity and territorial solidarity.

Keywords: Hydropolitic, National Convergence, Dam Construction, Regionalism, GAP and East Turkey.

1. Ph.D in Political Geography, Kharazmi University; Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: a_rashidin@yahoo.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-4677-4434>

2. Associate Prof. in Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University; Tehran, Iran.

Email: kaviani@khu.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-8329-8444>

3. Associate Prof. in Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University; Tehran, Iran.

Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-4406-3236>

نسبت همگرایی ملی با رویکرد هیدروپلیتیک: نمونه پژوهی طرح‌های سدسازی در خاور ترکیه

احمد رشیدی نژاد^۱، مراد کاویانی راد^۲ و افشین متقی دستنائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

چکیده

به فراخور وسعت و جمعیت کشورها و نیز به واسطه نوع، ژرفا و ادراک محیطی حاکمان، شیوه و تنوع بروز ناحیه‌گرایی، طیفی از ناحیه‌گرایی اقتصادی تا سیاسی را در بر می‌گیرد، که در هر حالت پتانسیل تهدید پایداری نظام سیاسی و یکپارچگی کشور را دارد. از این رو، کوشش برای بقاء واحدهای سیاسی - فضایی در قالب پاسداری از همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی همواره اولویت نخست همه حکومت‌ها بوده است. یافته‌ها گویای آن هستند که آن‌گاه که عدالت در توزیع فرصت‌ها در مقیاس ملی بر بنیاد ناهمگونی فرهنگی رو به کاهش نهد، واگرایی ناحیه‌ای رو به فراز می‌نهد. در این باره حکومت‌ها بسته به نوع تهدید راهبردهای امنیتی متفاوتی در پیش می‌گیرند. بیشینه جمعیت جنوب خاوری ترکیه در جایگاه خاستگاه دو رود دجله فرات، کردها هستند که طی چند دهه اخیر در تعارض با حکومت مرکزی بوده‌اند. طی همین مدت قلمروداران این کشور بر آن بوده‌اند با استفاده از ظرفیت‌های آبی این بخش از کشور زمینه توسعه و همگرایی نواحی محروم کردنشین را فراهم کنند. نوشتار حاضر که ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده بر این فرضیه استوار است که راهبرد هیدروپلیتیک حاکمان ترک برای توسعه اقتصادی نواحی کردنشین جنوب شرق آناتولی معطوف به حفظ تمامیت ارضی و کاستن از زمینه‌های حمایت از جریان‌های ناحیه‌گرای کردی است. نتیجه پژوهش نشان داد که رهبران دولت ترکیه جدای از مزایای اقتصادی برخاسته از توسعه سازه‌ها و زیرساخت‌های آبی، بهره‌گیری از عناصر جغرافیایی و مهندسی برای حفظ و تقویت همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی را دنبال می‌کنند.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، همگرایی ملی، ناحیه‌گرایی، سدسازی، گاپ و خاور ترکیه.

۱. دانش‌آموخته دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: a_rashidin@yahoo.com
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-4677-4434>

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی؛ تهران، ایران.

Email: kaviani@khu.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-8329-8444>

۳. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی؛ تهران، ایران.

Email: a.mottaghi@khu.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-4406-3236>

۱. مقدمه و طرح مسئله

برخی از نظریه‌پردازان بر این گمان هستند که قرن بیست و یکم، سده پیدایش دولت-ملت‌های دیگر است. گروهی حتی سده بیست و یک را «سده هزاردولتی» می‌دانند و تکوین ۳۴ دولت-ملت جدید طی دو دهه اخیر را نشانه‌ای بردرستی ادعای خود می‌پندارند. به هر روی، امروزه طیف گسترده‌ای از کشورها، از دولت‌های قاره مانند، سرزمین بزرگ و حتی سرزمین کوچک درگیر پدیده واگرایی هستند. چنان که در سال ۲۰۰۸، ۴۸ گروه قومی در جهان به صورت فعال در پی جدایی یا کسب خودمختاری از دولت مرکزی برآمدند (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۶). ساکنان این نواحی مادامی که حقوق و منافع‌شان در خطر نباشد، تمایلی به ناسازگاری با دیگر اقوام و دولت مرکزی ندارند، اما هر از گاهی متأثر از تحولات بین‌المللی، سیاست‌های داخلی و نخبگان مهم و مؤثر در جامعه، مطالبات جدید طلب می‌کنند و همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی را تهدید می‌کنند. در اینجا، مرزی ظریفی بین امنیت، واگرایی و عدالت ترسیم می‌شود که آنها را هم‌دوش و مکمل همدیگر قرار می‌دهد (عزیزی، ۱۳۹۶: ۹۹). به عبارتی، هر چند توسعه متوازن منطقه‌ای به معنی فروپاشی واگرایی و تحلیل کامل انرژی نیروی گریز از مرکز نیست، اما اگر عوامل کلاسیک (سنٹی) واگرایی با نابرابری‌های اقتصادی همراه شود، توانمندترین نیروی گریز از مرکز پدیدار می‌گردد. باید در نظر داشت که سطوح بالای بیکاری و میانگین پایین‌تر درآمد بیش از دیگر عوامل اقتصادی قابل درکند (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵). در این زمینه، مطابق باور «رابرت گر»^۲، چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود؛ آنان دچار احساس «محرومیت نسبی» شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۳). در واقع، محرومیت نسبی به برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین «انتظارات ارزشی» و «توانایی‌های ارزشی» افراد در جامعه تعبیر می‌شود؛ انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی می‌باشند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. در صورتی که توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که مردم فکری کنند در صورت داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آنها را به دست آورند (صفاریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۹). از طرفی تردیدی نیست که، جنبش‌های مخالف قومی نیز زمانی قادر به کسب پشتیبانی در مقیاس بزرگ خواهند بود که نابرابری‌ها به صورت ژرف درک شوند. به شکلی که گاه نیروهای گریز از مرکز انرژی حیاتی خود را بیش از تفاوت‌های کلاسیک واگرایی، از سرشت نابرابری در توسعه اقتصادی و یا به عبارت دیگر توسعه نامتوازن منطقه‌ای به دست می‌آورند (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۲). در واقع یکی از ابزارهای نخبگان برای ایجاد بسیج قومی، پروردن احساس محرومیت نسبی است. بر

۱. تافلر، الوین و هدی (۱۳۸۲). جا به جایی در قدرت جهانی. شهیندخت خوارزمی، تهران؛ نشر مترجم.

۲. واضع نظریه محرومیت نسبی (Ted Robert Gurr)

پایه این نظریه، جنبش‌های قومی، پاسخ محض به محرومیت نسبی گسترده و شدیدی قلمداد می‌شوند که توده‌ها و نخبگان حاشیه‌نشین را با هم شامل می‌شود؛ از این‌رو، مشارکت گسترده و سازماندهی آگاهانه در جهت ایجاد خشونت فراهم می‌شود (عبدی و مقصودی، ۱۳۹۲: ۵۵).

به عبارتی، آن‌گاه که عدل و برابری کاهش یابد، ناامنی و واگرایی رو به فراز می‌نهد. با این حال، از زمان پیدایش کشور-ملت‌ها تاکنون حکومت به عنوان میانجی سرزمین و ملت کوشیده‌اند تا از رهگذر تقویت نیروهای مرکزگرا و تضعیف نیروهای مرکزگریز، همگرایی ملی و پیوستگی سرزمینی را ماندگار کنند (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). توجه به یک نکته ضروری است که دولت‌ها باید در برابر عوامل ناپایدار ناامنی، راهبردهای امنیتی پایداری انتخاب کنند (عزیزی، ۱۳۹۶: ۹۹). در این زمینه، هرچند تاکنون درباره چگونگی بهره‌گیری نخبگان حاکم از ارزش یک طرح کلان آب‌پایه برای آفرینش و گسترش همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی، پژوهش‌های اندکی انجام پذیرفته است. اما برخی پژوهشگران همچون «زیتون» و «وارنر»، تسلط و هژمونی در حوضه یک رودخانه را از طریق راهبرد کنترل منابع آب عملی دانسته، این استراتژی را از طریق تاکتیک‌هایی همچون ساخت و ساز تاسیسات زیربنایی عملی می‌دانند. استنباطی که از این دیدگاه می‌شود این است که، سدها به عنوان تاسیسات زیربنایی، افزون بر مزایای فیزیکی و اقتصادی، ابزاری-هیدروپلیتیک به‌شمار می‌آیند که از توانایی تغییر «مناسبات قدرت» در درون و برون واحدهای سیاسی-فضایی در حوضه یک رودخانه برخوردارند. بر بنیاد چنین رویکردی، پژوهش حاضر ضمن واکاوی طرح «گاپ» در خاور ترکیه به عنوان «راهبردی هیدروپلیتیک»، چگونگی بهره‌گیری مقامات ترکیه از این طرح به عنوان «راهبردی پایدار»، برای جلوگیری از تهدید همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی در برابر جریان‌های ناحیه‌گرایی کردی را مورد بررسی قرار داده است. گاپ که شامل سیزده طرح آبیاری و برقایی است، در بردارنده ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برقایی بر سرشاخه‌های دجله و فرات است (کنکال و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۲۳). مساحت پروژه ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع است که نه استان این کشور در ناحیه آناتولی جنوب شرقی در حوضه دجله و فرات را در بر می‌گیرد. رقمی نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت و گستره ترکیه، که در مجموع ظرفیت ۲۰ درصد زمین‌های قابل کشت و ۲۸ درصد پتانسیل برقایی این کشور را دارند (وبسایت همه چیز در مورد ترکیه: ۲۰۱۷/۷/۱۸). برآوردها حاکی از این است که با انجام پروژه افزون بر اینکه حدود ۱,۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت آبی خواهد رفت، با کنترل ۳۰ درصد از کل پتانسیل آبی ترکیه، ظرفیت تولید انرژی منطقه نیز به بیش از ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برسد. دیگر اینکه، پیش‌بینی شده است که چه در دوره ساخت و چه در زمان بهره‌برداری ۲۰۰ هزار فرصت شغلی به واسطه این طرح ایجاد خواهد شد (تساکالیدو، ۲۰۱۳/۸/۱۳).

۲. رویکرد نظری / هیدروپلیتیک

آب (شیرین) پایه‌ای‌ترین بنیاد زیستی است که پراکنش آن تابع ویژگی‌های آب و هوایی، الگوی بارش و موقعیت جغرافیایی مناطق است. ماده‌ای که نه تنها منشاء حیات، بلکه لازمه‌ی تداوم آن بر روی این کره‌ی خاکی نیز هست. افزون بر نقش موجهه آب در حیات جانداران، تنها در رابطه با انسان، آب همواره عنصری تعیین‌کننده در سبک زندگی، کیفیت و تکامل حیاتش از شکل جوامع ابتدایی تا جوامع مدرن امروزی بوده است. به نحوی که تأثیر و نفوذ این ماده حیاتی از نیازهای فردی و روزانه فراتر رفته، تا پیچیده‌ترین فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، اقتصادی و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی انسان را در بر می‌گیرد (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۲). در واقع فراوانی آب جوامع را قادر ساخته تا به شکوفایی و پیشرفت دست یابند و برعکس، کمبود آن باعث شده که جوامع دچار رکود و پسرفت شوند (اس.گری و دولتیار، ۱۳۸۹: ۲۵). با این وجود با بروز مسائلی نظیر رشد جمعیت، ارتقای سطح زندگی و بهداشت، گسترش شهرنشینی، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، گسترش صنایع بویژه در بخش کشاورزی، ارزش رقابتی آب به شکل روز افزونی در حال افزایش است (رضایی، ۲۰۱۸: ۶۸). جمعیت جهان طی دو قرن گذشته روندی بسیار سریع داشته، به طوری که از ۱۹۰۰ تاکنون بیش از ۵ میلیارد نفر فزونی یافته است. این درحالی است که مطابق اعلام سازمان ملل، مردم برای نیازهای اساسی خود روزانه حداقل نیازمند به ۲۰ لیتر آب تمیز هستند. آن هم در شرایطی که درحال حاضر بیش از ۱/۷ میلیارد نفر درحوضه‌ی رودخانه‌هایی زندگی می‌کنند که مصرف آب بیش از میزان تأمین است (وب‌گاه کول‌جئوگرافی، بی‌تا)^۱. چیزی حدود یک چهارم جهان که با تنش آبی بسیار زیاد مواجه هستند. جایی که بیش از ۸۰ درصد از منابع موجود هر ساله برداشت می‌شود. بیشتر این آبها به ترتیب (۷۰ و ۱۹ درصد) در بخش‌های کشاورزی و صنعت و مابقی در بخش شرب مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. داده‌های جدید نشان می‌دهد که تقاضا برای آب شرب از سال ۱۹۶۰-۲۰۱۴ با سرعت قابل توجهی، یعنی سریع‌تر از هر بخش دیگری، ۶۰۰ درصد رشد داشته است. تقاضا برای آب مورد استفاده برای پرورش محصولات زراعی و دامی نیز نسبت به قرن گذشته بیش از ۱۰۰ درصد و برای آب صنعتی به دلیل افزایش تقاضا برای تولید برق، انرژی و کالاهای پرآب مانند منسوجات بیش از ۳۰۰ درصد برابر شده است (اوتو و سچلیفر، ۲۰۲۰/۱۰/۲)^۲. بر این پایه، بحران کمبود آب و فزاینده‌ی پیامدهای آن بویژه در آن طیف از کشورها که به ذات کم‌بارش (به تبع کم‌آب هستند) و یا کشورهای که از منابع آبی مشترک (رو و یا زیرزمینی) استفاده می‌کنند، موجب شده که آب نقش

1. www.coolgeography.co.uk/gcsen/CRM_Water_Reasons.php

2. www.wri.org/blog/2020/02/growth-domestic-water-use

بنیادی‌تری در جهت‌دهی به مناسبات درون و برون سرزمینی این واحدهای سیاسی - فضایی داشته است. البته بیشتر این کشورها غالباً از هر دو مسئله با هم رنج می‌برند.

در ابعاد بیرونی، غالباً تصور بر این است که چون نگاه کشورهای فرادستی یا هژمون به آب، نگاه ابزاری برای دستیابی به آب و سایر اهدافشان است، امکان توافق معمولاً سخت و دشوار است. در این باره نمونه‌های متعددی از درگیری کشورها را می‌توان برشمرد که موضوع آنها ناشی از کمبود منابع آبی یا آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی است. با این حال و با وجود بسیاری درگیری‌ها و تنش‌ها بر سر منابع آبی مشترک به‌ویژه رودهای مرزی، گونه برهم‌کنشی دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع مشترک، فقط محدود به اینگونه منازعات نیست، بلکه طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که کشورهای ذینفع به جای درگیری و کشمکش راه همکاری و همگرایی را در پیش گرفته و با ساخت تأسیسات مختلف همچون سد به مدیریت بر منابع آبی مشترک پرداخته و گام‌های مهمی را در توسعه منطقه برداشته‌اند. به عبارتی در برخی موارد، منابع آبی مشترک می‌توانند در نقش پیوند دهنده مشترک جغرافیایی ظاهر شده و زمینه را برای بروز همکاری و همگرایی در سطح منطقه فراهم آورند (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). به طوری که بر پایه گزارش سازمان ملل، از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۵ فقط ۳۷ رخداد منجر به منازعه بر سر آب رخ داده است (عادل، ۲۰۱۵: ۷). در حالی که در همان دوره بیش از ۲۰۰ معاهده همکاری در مورد آب به امضا رسیده است. هرچند این نگرانی وجود دارد که تنها یک سوم از این توافقات در پیوند با همکاری بر سر تخصیص حجمی آب باشد. شایان ذکر است که در دنیا حدود ۲۶۳ رودخانه از این دست وجود دارد که روی هم رفته حدود نود درصد از جمعیت جهان در ۱۵۱ کشور جهان را به هم پیوند داده‌اند (ورکاستر، ۲۰۱۶: ۱-۲). بدین ترتیب سرنوشت ۴۰ درصد جمعیت دنیا، ساکن در سواحل این رودها، مستقیماً در پیوند با این آب‌های مشترک است. مساحتی که حدود ۶۰ درصد از منابع آب‌های جاری جهان را در خود جای داده است (دکیروز و تیپورکیو، ۲۰۱۸: ۱۸). در ابعاد داخلی نیز در بسیاری از کشورها اداره منابع، رقابت‌های شدیدی را در میان گروه‌های داخلی که هر کدام دارای منافع و علایق خاص خود هستند، برانگیخته است. به شکلی که در برخی نواحی سیاسی، عدم مدیریت صحیح در تخصیص این منبع حیاتی ممکن است موجبات نزاع و تنش‌های اجتماعی و سیاسی بین سکونتگاه‌های روستائی و شهری را فراهم آورد. تحولاتی که نمونه‌هایی از آن را در سال‌های اخیر می‌توان در ایران و در مناطقی همچون خوزستان، اصفهان، یزد و... به وضوح دید. با این حال مدیریت صحیح و تخصیص بجای منابع آب، علاوه بر اینکه زمینه‌ساز رشد و توسعه کشورها است، می‌تواند اساسی بر همبستگی و همگرایی ملی باشد. به طور مثال، استدلال می‌شود که ارزش نمادینی که برخاسته از سد راغون (تاجیکستان) است در سال‌های اخیر محور تولید ایدئولوژی است که توسط

دولت اشاعه می‌شود. از این دیدگاه، با ساخت ایدئولوژی سد راغون، نخبگان سیاسی تاجیک قبل از هرگونه هماوردی با رقبای منطقه‌ای (ازبکان) درصدد هستند، با برانگیختن حس موفقیت و غرور ملی، ضمن تقویت هویت ملی، راه بقای کشور و حاکمیت خود را حفظ کنند. از طرفی سد راغون و مخالفت ازبکستان با ساخت آن می‌تواند به عنوان نوعی از هماوردی (رقابت)، برای تقویت تبلیغات ملی‌گرایانه جهت همبستگی و همگرایی ملی در برابر دشمن ازبک مورد بهره‌برداری قرارگیرد. اگر سد بزرگ نماد ملت باشد، کسانی که ساخت آن را به چالش می‌کشند دشمن ملت هستند (رشیدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱).

۳. پیشینه پژوهش

در جستجوی ادبیات پژوهش، با اینکه تاکنون در مورد «نسبت همگرایی ملی با رویکرد هیدرو-پلیتیک» پژوهشی به طور مستقل صورت نپذیرفته است. اما درباره‌ای از مقالات و پژوهش‌ها، می‌توان به بخش‌هایی برخورد، که در آن به صورت جسته و گریخته به موضوع اهداف طرح‌های سدسازی ترکیه بر ممانعت از "ناحیه‌گرایی کردی" در جنوب شرقی این کشور پرداخته‌اند. موضوعی که با پژوهش حاضر در مبحث بهره‌گیری این کشور از این طرح‌ها به منظور "همگرایی ملی" در ارتباط است. در ذیل مواردی از آنها آورده شده است:

در گزارشی که اندیشکده راهبردی تبیین به «نقش رژیم صهیونیستی در سدسازی‌های ترکیه» پرداخته است، در بخش‌هایی از آن با پرداختن به موضوع کردهای ساکن در این منطقه، مهمترین اثر سیاسی و اجتماعی پروژه مذکور را، تقویت موضع دولت ترکیه نسبت به مسأله کردها دانسته است. مطابق این گزارش اجرای این پروژه و تخریب مناطق قدیمی و بعضاً باستانی جهت ساخت سدها و نیروگاه‌ها، موازنه جمعیتی را در این بخش از خاک ترکیه به ضرر کردها بر هم خواهد زد. چرا که تکمیل این سدها موجب کوچ اجباری هزاران نفر از مردمان کرد به سایر بخش‌های ترکیه خواهد شد.

سامانتا گلاس^۱ در طرحی تحقیقاتی تحت عنوان «بستن شیر: کمبود آب و تعارض در حوضه دجله»، با پرداختن به زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی واگرایی در این منطقه بیکاری بالا، نرخ پایین سواد و فقر گسترده را شناسه اصلی جنوب خاوری ترکیه دانسته، این عوامل را زمینه ساز ناآرامی در این منطقه توصیف می‌کند. از نظر وی یکی از اهداف دولت ترکیه در پیگیری این طرح‌ها جذب نیرومند کردها در جامعه ترکیه است. چراکه دولت ادعا می‌کند که این طرح‌ها ثمره اقتصادی و اجتماعی بی‌نظیری را برای آنها در بر خواهد داشت.

لورا مایجر^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «پروژه جنوب شرقی آناتولی: آب، ضد شورش و درگیری»، طرح‌های سدسازی ترکیه در این منطقه را ابزاری مستقیم در مبارزه با تروریسم تلقی کرده است، که به ادغام کردها در ملت ترکیه و تبدیل آنها به ترک‌های مدرن و وفادار به دولت ترکیه کمک می‌کند. وی که با نگاهی امنیتی به موضوع پرداخته است، این طرح‌ها را زمینه‌ساز کاهش پشتیبانی از مطالبات جدایی‌طلبانه پی‌کاکا می‌داند. آوراگی و پراکندگی جمعیت کردها، از دست دادن مشاغل و تخریب فرهنگی به مرور ایده توسعه آب به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت و امکان ساختن یک ملت ترک را به مروره شیوه‌های امنیتی و جنگی نزدیک خواهد کرد. از طرفی گستره دریاچه سدها مانعی برای حرکت آزادانه مبارزان پی‌کاکا باشند. به طوری که تروریست‌ها به دلیل وجود سدها دیگر نمی‌توانند به راحتی از یک منطقه به منطقه دیگر عبور کنند.

در این رابطه ژیلبرتو کنده^۲ نیز مضاف بر رویکرد نظامی-امنیتی، در مقاله «آب و ضد هژمونی: مبارزه کردها در دجله و فرات در ترکیه»، با نگاهی توسعه محور، بر این باور است که چون این منطقه مدت‌های مدیدی در میان فقیرترین بخش‌های ترکیه قرار داشته است، و نیز چون در این منطقه یک جنبش چریکی اپوزیسیون ریشه‌دار وجود دارد، مقامات مربوطه باید نوعی برنامه توسعه محور را به منظور رشد و توسعه این منطقه در آنجا پیش ببرند. برنامه‌ای توسعه محور که بتواند توان جلب رضایت عمومی مردم این منطقه و مقابله با جنبش شورشیان کرد را داشته باشد.

برخی از پژوهشگران همچون وارنر^۳ نیز با نگاه فرهنگی به موضوع، ویرانی مکان‌های تاریخی کردها در مسیر دریاچه سدها را، عاملی در تخریب و پاکسازی فرهنگی این قوم دانسته، بر این باورند که این تخریب فرهنگی نهایتاً به ادغام فرهنگی قوم کرد در جامعه ترکیه خواهد انجامید.

۴. روش شناسی

مقاله حاضر ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای (کتب، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است. پژوهش بر آن است تا با بررسی طرح‌های سدسازی در خاور کشور ترکیه، نشان دهد که چگونه رهبران این کشور جدای از مزایای اقتصادی برخاسته از توسعه سازه‌ها و زیرساخت‌های آبی، از این طرح به‌عنوان «راهبردی هیدروپلیتیک»، برای جلوگیری از تهدید همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی در برابر جریان‌های ناحیه‌گرای کردی بهره می‌گیرند.

1. Laura Meijer
2. Gilberto Conde
3. Jeroen Warner

۵. میدان مورد مطالعه

مناطق کردنشین محل تلاقی چند سازه سیاسی: دولت‌های ایران، عراق، ترکیه و سوریه در فضای خاورمیانه است. مناطق کردنشین در میان چند تمدن کهن ایرانی، تورانی (ترک) و عربی (سامی) واقع شده است. از نظر هیدروپلیتیک نیز مناطق کردنشین خاورمیانه هارتلند محسوب می‌شوند (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵). فضای جغرافیایی مرتفعی در جنوب غرب آسیا که از نظر اکولوژیک، زیستگاه و موطن کردها به شمار می‌رود. این منطقه مرتفع، بر فلات‌ها و سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰). سراسر این منطقه، تا سال ۱۵۱۴م. یکی از ایالات ایران بود. در جنگ چالدران که بین شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی در سال ۱۵۱۴م. در گرفت، در پی شکست ایران، بخشی از این مناطق از ایران جدا و به عثمانی پیوست (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۳۶). درباره شکل‌گیری و آغاز ناحیه‌گرایی در قالب خودگردانی کردها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باور هستند که کردها از چند قرن پیش و در دوران حاکمیت عثمانی‌ها از نوعی استقلال دفاکتو و دولت نیمه مستقل برخوردار بوده‌اند و بر نواحی کردنشین در قالب امارات مختلف حکمرانی داشته‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷). تا جایی که به مسئله ملی‌گرایی کردهای ترکیه و هویت ملی آنها مربوط است، خاستگاه این ایده به امپراتوری عثمانی و به دهه‌های پایانی قرن ۱۹ بر می‌گردد. عثمانی در جنگ شکست خورد و کشورهای پیروز جنگ، که در پی تجزیه‌ی عثمانی بودند، معاهده‌ی «سور» را در ۱۰ ژوئن ۱۹۲۰ بر سلطان عثمانی تحمیل کردند، که برطبق آن عثمانی به استانبول و بخش‌هایی از آناتولی محدود می‌شد (نساج، ۱۳۹۲: ۱۰۴). همچنین این معاهده الزام کرده بود که «طرح خودمختاری محلی باید برای مناطق عمدتاً کردنشینی که در شرق فرات هستند تدوین شود» (تساکالیدو، ۲۰۱۳/۸/۱۳). سه ماده از پیمان سور (۶۲، ۶۳، ۶۴) به چگونگی تشکیل کشور کردی و ویژگی‌ها و وضعیت حقوقی آن می‌پردازد (عزیزی، ۱۳۹۶: ۷۹). این بند از پیمان «سور» نتیجه فعالیت تشکیلاتی کردهایی بود که در سال ۱۹۱۸ در استانبول، حزبی به نام «جمعیت تعالی کرد» تشکیل داده بودند. اما تلاش ناسیونالیست‌های ترک موجب شد که پیمان سور هرگز اجرا نشود. مذاکرات میان دولت جدید ترکیه و متفقین در لوزان سوئیس نهایتاً در سال ۱۹۲۳ منجر به معاهده «لوزان» گردید. در این معاهده اکثر خواسته‌های ترکیه تامین شد. توافقنامه در مورد سرنوشت کردها سکوت کرد و در واقع خط بطلانی بود بر آنچه در پیمان سور ذکر کردند (پیشین: ۸۰). با ممنوع شدن مظاهر هویت کردی مانند زبان و پوشش، از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۹، سلسله‌ای از شورش‌ها در میان کردها بر علیه دولت مرکزی ترکیه شکل گرفت (کولایی، و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). به طوری که از آن هنگام تا

۱. مراجعه شود به: عزیزی، آریا (۱۳۹۶). بایدها و نبایدهای مشروعیت جدایی استقلال اقلیم کردستان در حقوق بین‌الملل. فصلنامه علمی- حقوقی قانون‌یار، دوره سوم، پاییز ۱۳۹۶.

سال ۱۹۳۸، ترکیه ۱۸ بار شاهد شورش بود که ۱۶ مورد آن از سوی کردها انجام گرفت (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۸/۱/۲۵). پس از سال ۱۹۳۸، ترکیه دیگر با شورش کردها مواجه نشد، چرا که جنگ و درگیری نظامی سبب شد تا بسیاری از کردهای ترکیه به استانبول مهاجرت کنند، به گونه‌ای که استانبول به بزرگترین شهرکردنشین ترکیه تبدیل شده است. فقر، بیکاری، محرومیت در نواحی جنوب شرقی و شرق ترکیه، سرانجام موجب پدید آمدن گروه پ. کا. کا از دهه ۱۹۷۰ شده است. پ. کا. کا خواستار خودمختاری مناطق کردنشین است (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK) یک جنبش جدایی‌طلبانه فعال است که از سال ۱۹۸۴ در جنوب شرقی ترکیه فعال بوده است. این جنبش هم اکنون به یک سازمان قوی سیاسی-نظامی تبدیل شده است که برای طیف وسیعی از کردها که در نقاط مختلف کشور زندگی می‌کنند، جذابیت دارد. طبق گفته بارکی و فولر، تخمین زده شده است که پ. کا. کا حدود ۱۰,۰۰۰ شبه نظامی مسلح داشته و می‌تواند این تعداد را از حدود ۳۷۵۰۰۰ طرفدار خود تا ۵۰,۰۰۰ نفر هم افزایش دهد. علاوه بر این، در کنار افزایش فعالیت‌های نظامی، این سازمان یک حزب سیاسی فعال دارد (Halkin Demokrasi Partisi)، که به تدریج در حال به چالش کشیدن هژمونی احزاب سیاسی اصلی کشور، در جلب نظر و آراء مردم جنوب شرقی ترکیه است (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳). ترکیه در کنار چالش فزاینده سیاسی نظامی پ. کا. کا با دو چالش برون مرزی در ارتباط با کردها روبرو شده است. یکی چالش تأسیس خودگردانی در شمال عراق که بر ترکیه تاثیر گذاشته است و دیگری چالش تحصیل شرایط خاص برای عضویت در اتحادیه اروپا از جمله بهبود وضع کردها از نظر دموکراسی و حقوق بشر و اختیارات منطقه‌ای و غیره (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۶). در حالی که ترکیه قادر است ملی‌گرایی کردی را در درون خود، با جذب، همکاری، "تفرقه انداز و حکومت کن" و زور کنترل کند، اما نتوانسته چنین رفتاری را با دیگر کردها در خارج از مرزهای خود داشته باشد. کردهای عراق بیش از همه پیشتاز ناسیونالیسم کردی بودند که در طی سده بیستم با دولت‌های مرکزی جنگید. پس از چند دهه جنگ، کردهای عراق در پی دو جنگ با رهبری ایالات متحده در عراق، توانستند تا یک "شبه دولت" را در شمال عراق برپا کنند. مسئله‌ای که موجب می‌شود که ترک‌ها با نگرانی به این دستاورد کردها بنگرند که مبدا این رخدادها بر نواحی کردنشین ترکیه تاثیر بگذارد (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۸/۱/۲۵). از طرفی کوشش برای تحصیل شرایط عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، دست قلمروداران ترکیه را در سرکوب جدی پ. کا. کا بسته است. تصویب طرح گشایش کردی توسط پارلمان ترکیه در سال ۲۰۰۹، حرکتی در این راستا ارزیابی می‌شود. در طول ده سال گذشته؛ ترکیه راه درازی را در اعطای بعضی حقوق فرهنگی به اقلیت کردهای خود پیموده است. برای مثال دولت که مالک رادیو و تلویزیون ترکیه بود، اکنون در چارچوب تغییر رویکرد خود مبنی بر غیر امنیتی‌سازی،

شبکه تلویزیونی راه انداخته‌است که به زبان کردی پخش می‌شود. همچنین اکنون امکان یادگیری زبان کردی به عنوان زبان انتخابی در مدارس دولتی می‌باشد (صبوری و علی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۰۱). در عرصه سیاسی نیز هم‌اکنون حزب جامعه دموکرات ترکیه (DTP) که یک حزب کردی به شمار می‌رود، حضور فعالی در پارلمان ترکیه دارد و علی‌رغم مخالفت نهادهای سکولار با حمایت‌های حزب عدالت و توسعه (AKP) به حیات خویش ادامه می‌دهد (علی‌زاده، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح).

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶. زمینه‌های واگرایی در خاور ترکیه

پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۳، ترکیه با رهبری مصطفی کمال‌پاشا (آتاتورک)، از خاکستر امپراتوری عثمانی سر برآورد. دولت جدید، سیاست‌مداران و نخبگان بروکراتیک، جامعه سنتی را پشت سر گذاشته و اصلاحات بنیادی در دولت و جامعه برقرار و سکولاریسم و اقتصاد صنعتی مدرن ایجاد کردند. با این حال، از همان آغاز رهبران ترک دریافتند که دولت جدید باید فکری به حال توسعه منطقه خاور و جنوب خاوری کشور کند. منطقه‌ای که از نظر سیاسی و ساختار اجتماعی مشکل‌ساز بود. این ناحیه عمدتاً کردنشین بوده و روابط سیاسی پرتنش با دولت مرکزی داشت. آتاتورک متوجه شد که "مسئله کرد" باید برای به حداقل رساندن مسائل امنیتی کشور راه‌کار یابی شود که نیازمند توسعه اقتصادی- اجتماعی این نواحی بود (اوز‌کاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳). امید آتاتورک همانا ادغام بهتر آناتولی شرقی در دیگر بخش‌های ترکیه و ایجاد توسعه اقتصادی از راه ساخت و ساز طرح‌های آبیاری بود. این رویکرد به شکل پروژه «گاپ»^۱ در دهه ۶۰ میلادی و در دوران رهبری سلیمان دمیرل رو به تحقق گذاشت. او مهندس و سیاست‌مداری قابل احترام بود. از مفروضات اساسی طرح «گاپ» این بود که به حل و فصل مسئله کردها نیز کمک می‌کرد. از جمعیت تقریباً [۸۲/۴] میلیونی ترکیه حدود [۱۸ تا ۲۲]^۲ میلیون کرد هستند که بیشتر آنها در استان‌های جنوب شرقی زندگی می‌کنند (تساکالیدو، ۲۰۱۳/۸/۱۳). به‌گونه‌ای که تقریباً ۶۵ درصد

1. GAP

۲. حافظ‌نیا در مقاله تحت عنوان «تاثیر خودگرانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه» آورده است که «حدود سی نقشه و ادعای آماری درباره کردستان و جمعیت کردها را مورد بررسی قرار داده است که عمدتاً توسط موسسات معتبر انستیتو بین‌المللی کردشناسی پاریس، انسیکلوپدیای برتانیکا و یا کردشناسان برجسته‌ای نظیر پروفیسور ایزدی، کرینبروئک و الیسون تولید شده‌اند. در این نقشه و آمارها اختلاف مشاهده می‌شود. بنابراین نقشه قلمرو کردستان و آمار جمعیتی آن را با احتیاط باید پذیرفت» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰).

از جمعیت این ناحیه کرد هستند (اوقت، ۲۰۱۳: ۴۸). به عنوان بزرگ‌ترین گروه اقلیت در ترکیه به دلیل سیاست‌های این کشور، هویت آنها رد شده و با عنوان تحقیرآمیز «ترک‌های کوهی» شناخته می‌شوند.^۱ به همین دلیل، کردها سال‌ها است که به دنبال خودمختاری بیشتر هستند.

بدین ترتیب، غیراز برق، پیش‌بینی می‌شد که پروژه‌های توسعه منطقه‌ای تا سال ۲۰۱۵ باعث ایجاد ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در بخش‌های ساخت و ساز و تقویت کلیه زیرساخت‌ها در منطقه شود. برای بخش کشاورزی، انتظار می‌رفت که «گاپ» دو میلیون هکتار زمین جدید را زیر پوشش آبیاری قرار دهد و باعث می‌شد که ترکیه به‌طور بالقوه صادرکننده محصولات کشاورزی باشد. افزون بر این، دولت در صدد بود تا با این طرح مسئله آموزش و پرورش و نابرابری از جمله سواد زنان و دختران را بهبود بخشد به این امید که آنها در فعالیت‌های کارآفرینی مشارکت کرده و روند توسعه اقتصادی ترکیه را شتاب بخشند (تساکالیدو، ۲۰۱۳/۸/۱۳). از دید تاریخی، منطقه جنوب خاوری فاقد سرمایه‌گذاری دولتی بوده و اقتصادی ضعیف دارد. نبود سرمایه‌گذاری دولتی در این ناحیه اوضاع اقتصادی را بدتر کرده است (اوقت، ۲۰۱۳: ۸). بیکاری بالا، نرخ پایین سواد و فقر گسترده شناسه اصلی جنوب خاوری ترکیه است. بیشتر درآمدخانوارها بر پایه باغبانی، زنبورداری، ماهیگیری و پرورش دام است (گلاس، ۲۰۱۷: ۴).

با این حال طی این دوره، دولت‌های ترکیه به توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی کردنشین توجه چندانی نکردند. در نتیجه، شرق به‌ویژه جنوب شرق عمیقاً از نظرات اجتماعی و اقتصادی از بقیه ترکیه جدا افتاد. البته نواحی دیگر مانند منطقه دریای سیاه شرقی و برخی بخش‌های میانی آناتولی نیز در وضعیت اجتماعی-اقتصادی مشابه دست و پنجه نرم می‌کردند، اما در مورد نواحی کردنشین، یک عامل سیاسی دیگری نیز وجود داشت. برای نمونه، اگرچه ایجاد نظام‌های مبتنی بر سنت و دستورات مذهبی در این جمهوری منع شده بودند، اما دولت علاقه چندانی به مداخله در ساختار اجتماعی سنتی نواحی کردنشین نداشت. به‌ویژه زمانی که رهبران مذهبی (شیوخ) و رهبران قبیله‌ای پس از جنگ جهانی اول برای سیاست بازی و گرفتن آراء مردم منطقه، برای دولت ترکیه مهم

۱. ظاهراً پیشتر آتاترک به کردها وعده استقلال داده بود. در این باره «عبدالله اوچلان» رهبر حزب کارگران کردستان (PKK)، بیان کرده است که: «اگر آتاترک، از نظر سیاسی توسط نخبگان جمهوری خواه شهری (ترک‌های سفید)، تحت فشار قرار نگرفته بود، دوست داشت استقلال کردها را اعلام کرده و برای همه جمهوری دموکراتیک‌تری ایجاد کند». وی به کردها گفته بود: «ما شالوده شهرداری‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم که در آن حاکمان توسط مردمی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، انتخاب خواهند شد. بنابراین کردها حاکمان خود را انتخاب خواهند کرد، که به آن‌ها استقلال خواهد داد». با این حال، با وجود قول آتاترک، پس از معاهده ۱۹۲۳ لوزان، سرزمین کردها عملاً بین چهار کشور ترکیه، عراق، سوریه و ایران تقسیم گردید (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳).

شدند. در واقع، دولت ترکیه منطقه را تحت کنترل این رهبران قرارداد. تا همین اواخر، قدرت سیاسی در دستان آغاها^۱ قرار داشت که گروه‌های کوچک یا بزرگی در سرتاسر منطقه جنوب شرقی را کنترل می‌کردند، و کسی یارای به چالش کشاندن آنها را نداشت. این رویه همچنان در بسیاری از بخش‌های این منطقه متداول است (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳)، به گونه‌ای که، تنها حدود ۵ درصد از جمعیت محلی، مالکان بزرگ هستند. بقیه مردم یا زمین ندارند یا روی زمین‌دیگران کار می‌کنند. حق زمین‌داری نیز عموماً مبتنی بر مالکیت مشترک توسط خانواده‌های بزرگ است که تحت یک نام نگهداری و تحت ترتیباتی غیر رسمی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (گلاس، ۲۰۱۷: ۴). در این باره، برخی از سیاستمداران ترک مانند "بولنت اجویت"^۲، رهبر حزب چپ‌دموکراتیک (DSP) بر این باور هستند که: «عقب‌ماندگی این ناحیه و نظام فئودالی آن مسائل را پیچیده کرده است و این نظام فئودالی باید از میان برود». با این حال، از آنجا که همه امور به خوبی و به نفع دولت ترکیه تحت نظارت این شیوخ و آغاها عمل می‌کرد و از آنجا که هیچ مشکلی در منطقه از کردها در این فئودالیسم و جامعه قبیله‌ای وجود نداشت، دولت احساس نیازی برای توسعه منطقه نمی‌کرد. به گونه‌ای که اگرچه شورش‌های کردها علیه سیاست ترکیه بین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۳۸ صورت گرفت، اما تا دهه ۱۹۸۰ مقاومت جدی دیگری از سوی کردها وجود نداشت (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳).

با این حال، در اواخر دهه ۱۹۸۰، تهدید علیه قدرت مرکزی در قالب جهانی شدن آغاز شد. از یک سو، افزایش فعالیت پی. کا. کا در نواحی کردنشین، به ویژه در جنوب شرقی، به افزایش مقاومت در برابر سیاست‌های طولانی‌مدت دولت انجامید که به منطقه آسیب کلانی رساند. جالب اینکه پی. کا. کا علیه قدرت شیوخ و آغاها، که بیشتر آنها در پیوند با دولت ترکیه بودند، مبارزه می‌کرد. از طرف دیگر، وضعیت اجتماعی-اقتصادی استان‌های کردنشین، با فقر، بیکاری، جمعیت درمانده و صنایع توسعه نیافته وضعیت را بغرنج‌تر می‌کرد (پیشین: ۴۱۳). به گونه‌ای که این سطح گسترده فقر محیطی را ایجاد کرده است که زمینه را برای جنگ دائمی پی. کا. کا با ارتش ترکیه فراهم کرده است. جنگی که از دهه ۹۸۰ آغاز شد (وقتن، ۲۰۱۳: ۸). مسئله‌ای که بار دیگر، سیاست‌گذاران و نخبگان حاکم را به این باور رساند که خطر نارضایتی، ناآرامی و ناحیه‌گرایی جدی است. از این رو، برای کاهش خطر برخاسته از استان‌های کردنشین، آنها نهایتاً به این باور رسیدند که توسعه اجتماعی-اقتصادی در نهایت بر همه مسائل دیگر چیره خواهد شد و "مسئله کرد" را خنثی و پر شدن شکاف نواحی کردنشین با دیگر نواحی ترکیه به یکپارچگی و همگرایی ملی خواهد انجامید. بدین منظور، گاپ، به عنوان برنامه‌ای برای استفاده از آب رودخانه‌های دجله و

1. aghas
2. Bülent Ecevit

فرات برای آبیاری و بالاتر از همه، تولید برق آبی، گسترش یافت تا نخستین طرح جدی توسعه اجتماعی با هدف اصلاح مشکلات سیاسی ایجادشده در جنوب شرق از راه یکپارچگی اقتصادی و اجتماعی بین کردها و دیگر مناطق ترکیه ایجادکنند (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳). در واقع رهبران ترکیه در توسعه زیرساخت‌های آبی، امکان استفاده از جغرافیا و مهندسی برای رسیدن به اهداف خود به منظور حفظ یکپارچگی ملی و سرزمینی دنبال می‌کنند. در این باره برخی تحلیل‌گران بر این باور هستند که نیروی محرک اصلی در پس‌زمینه گپ نه توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه، بلکه بالعکس، باورهای نادرست مؤسسات امنیتی، مبنی بر تضعیف هویت کردها و پیروزی نظامی بالقوه از راه اجرای این پروژه، در درگیری‌های مسلحانه منطقه است (سچینکلشوک، ۲۰۱۷: ۳۹).



نقشه شماره ۱. موقعیت پروژه جنوب شرقی آناتولی (GAP)

(مأخذ: www.invest.gov.tr)

۲.۶. بهره‌گیری از «گپ» برای مقابله با واگرایی

نخستین راهبرد ترکیه استقرار آب به عنوان مانعی فیزیکی در برابر فعالیت‌های شورشیان کرد است. در واقع، ترکیه از منابع آبی خود به عنوان برگ‌برنده در برخورد با واگرایی پی. کا. کا، سازمانی غیر قانونی که برای حقوق کردها در منطقه می‌جنگد، استفاده می‌کند (جونگردن، ۲۰۱۰: ۱۴۲). اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که مرزهای کردستان در عراق، سوریه، ایران و ترکیه به هم مرتبط بوده و این گروه با نادیده گرفتن این مرزها، آن را مسیر تردد خود قرار داده است. در حقیقت با تکمیل این طرح صدها شهر و روستا از کردها به زیر دریاچه‌های مصنوعی فرو خواهند رفت. بدین ترتیب شبه نظامیان کرد افزون بر اینکه نمی‌توانند در صدها روستای غرق شده پنهان شوند، دریاچه را به عنوان مانع جدی حرکت بر سر راه خود خواهند داشت. در حالی که به راحتی

می‌توان از رودخانه‌ها یا خورها گذر کرد، دریاچه‌ها مانع مؤثر برای فعالیت شبه نظامیان تلقی می‌شوند (کنده، ۲۰۱۶: ۵۱). برای نمونه، سدهای «ایلیسو^۱» و «کیزره^۲» در دجله بسیار نزدیک هم هستند و منعکس‌کننده تمایل دولت برای ایجاد میزان آب در مرز آبی است. گفته شده است که زمانی که این سدها به طور کامل تکمیل شوند، بسیاری از غارها و دره‌ها که پیشتر توسط چریک‌های پی. کا. کا به کارگرفته می‌شده‌اند، پرمی‌شوند، و شبه‌نظامیان را از «کمپ هفتانین^۳»، یکی از پایگاه‌های پی. کا. کا در منطقه، باز خواهند داشت (اوزکاهرامان، ۲۰۱۷: ۴۱۳). در جولای ۲۰۰۹، دولت ترکیه ساخت پروژه‌ای برای بهره‌برداری از منابع آبی را اعلام کرده که شامل ساخت یازده سد در استان‌های «هکری^۴» و «شرناق^۵» در امتداد مرز با عراق و ایران است. این سدها برای اهداف برق‌آبی ساخته نشده‌اند. از آنجایی که این ناحیه جمعیت پراکنده‌ای دارد، آنها برای آبیاری نیز استفاده نخواهند شد. بیشتر جمعیت روستایی آن طی جنگ با پی. کا. کا در دهه ۱۹۹۰ آواره شدند. لذا مشخص است که این سدها به عنوان دیواری از آب ساخته می‌شوند و تنها هدف از ساخت آن، ایجاد تنگنا برای جنگجویان چریک پی. کا. کا برای نفوذ به مرزهای ترکیه است. به گفته مقامات، این منطقه کوهستانی با غارهای متعددی در آن، مسیرهای فرامرزی بسیاری را در خود جای داده است. پروژه‌ای که جایگزین ایده پیشین دیوار بتنی پنج متری، در امتداد این مرز است (جونگردن، ۲۰۱۰: ۱۴۲). به هر حال، سرزمین پوشیده از آب، برای دفاع مناسب‌تر از زمین است، و با جدا کردن بخش‌های کردی شمالی و جنوبی، آنکارا می‌تواند آسوده‌تر فعالیت ستیزه‌جویان کرد را در این منطقه محدود کند. از این رو، جای تعجب نیست که دولت در حال برنامه‌ریزی برای ساخت چندین سد جدید در استان‌های هکری و شرناق است (موسسه مطالعاتی استراتفور، ۲۰۱۶/۶/۲۳).

دوم؛ پیش از این در نامه محرمانه سال ۱۹۹۳، نخست‌وزیر «سلیمان دمیرل^۶» به رئیس‌جمهور «تورگوت اوزال^۸» نوشت: «با تخلیه سکونتگاه‌های کوهستانی، سازمان تروریستی پی. کا. کا منزوی خواهد شد. نیروهای امنیتی باید فوراً وارد این نواحی شوند و به طور کامل این نواحی را زیر کنترل خود قرار دهند. برای جلوگیری از بازگشت افراد محلی به منطقه، احداث تعداد زیادی از سدها در مکان‌های مناسب گزینه دیگری است.» با این حال اگر چه نامه یاد شده نشان می‌دهد

1. Ilisu
2. Cizre
3. Haftanin
4. Hakkari
5. Sirnak
6. <https://worldview.stratfor.com/article/dams-power-turkeys-conflict-kurds>
7. Süleyman Demirel
8. Turgut Özal

که دولت ترکیه به دنبال استفاده از آب درحوضه‌های دجله و فرات برای چیرگی عیان (قدرت سخت) است، ساختار این پروژه‌ها دراسناد موردنظر عمومی نشان می‌دهد که رهبری ترکیه همچنین هدف ایجاد رضایت (قدرت نرم) را نیز هدف قرار داده است. مقامات ترکیه، «گپ» چند میلیارد دلاری را به عنوان پروژه حیاتی برای توسعه ترکیه و جنوب شرقی آناتولی ایجاد کرده‌اند (کنده، ۲۰۱۶: ۵۰). افزایش درآمد سرانه اهالی استان‌های جنوب شرقی، توسعه بازار کشاورزی منطقه برای صادرات به دیگر استان‌ها و خارج از کشور، تأسیس نهادهای خدماتی بهداشتی و درمانی متناسب با جمعیت فعال در بخش کشاورزی و توسعه خطوط ترابری از مهمترین بازتاب‌های بهره‌برداری از این پروژه است، که رضایتمندی عمومی را بهبود می‌بخشد (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۷: ۸-۹). از سویی، با نگرش به اینکه مدت زیادی است که این منطقه در میان فقیرترین بخش‌های ترکیه قرار داشته است، چنانچه یک جنبش چریکی اپوزیسیون ریشه دار وجود داشته باشد، مقامات مربوطه باید نوعی برنامه توسعه‌محور را در آنجا پیش ببرند. عنصر کلیدی دولت برای پیشبرد این پروژه این است که باید مزایای کلانی برای منطقه داشته باشد که به مقابله با جنبش شورشیان کمک کند (کنده، ۲۰۱۶: ۵۰)، چرا که این جنبش ناحیه‌گرا می‌تواند احساسات و نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی را به اهداف‌شان پیوند بزنند. بنابراین، منطق حکم می‌کند که منطقه از نظر اقتصادی توسعه یابد. تصور دولت بر این است که در صورت اجرایی شدن این طرح با بهبود وضعیت معیشتی، مردم منطقه از پیوستن و هواداری از پی. کا. خودداری خواهند کرد. هم‌زمان، تصور بر این است که پروژه گپ می‌تواند کردها را به ترک تبدیل کند. اندیشمندان علوم اجتماعی استدلال می‌کنند که معرفی کشاورزی مدرن، بر بنیاد آبیاری و یکپارچه‌سازی بازار، سبک زندگی نوینی را به منطقه خواهد آورد که از اهمیت پیوندهای قبیله‌ای و خانواده‌های گسترده خواهد کاست، درحالی‌که وابستگی به مؤسسات دولتی مانند وزارت کشاورزی افزایش خواهد یافت. در جریان این فرآیند، کردهای قبیله‌ای به ترک‌های جدید تبدیل خواهند شد (جونگردن، ۲۰۱۰: ۱۴۱). در این باره، در سال ۲۰۰۸، چهار سال پس از این که پی. کا. تصمیم گرفت تا دوباره پس از چند سال کنار گذاشتن منش مسلحانه، سلاح به دست بگیرد، مقامات ترک اظهار داشتند که کوشش برای احیای گپ بخشی از راه کارکلی برای جنبش چریکی است. در واقع، دولت ترکیه توضیح می‌دهد که اهداف توسعه اجتماعی، قانونی برای پروژه گپ است. اهدافی که شامل بهبود پوشش و کیفیت آموزش، خدمات بهداشتی، دسترسی شغلی، ورزش، فرهنگ و هنر می‌شوند. این پروژه همچنین با توسعه بخش انرژی، کشاورزی، صنعتی و حمل و نقل، پشتیبانی از ایجاد بنگاه‌های کوچک متوسط، پارک‌های فناوری و قطب‌های رشد، پویایی محلی و مشارکت جامعه و بخش خصوصی را به همراه خواهد داشت (کنده، ۲۰۱۶: ۵۱).

سومین، راهبرد ترکیه در بهره‌برداری از آب در استان‌های جنوب شرقی، شامل عنصر تخریب فرهنگی است. ممکن است این انتقاد نسبتاً رایج از طرح‌های بزرگ مقیاس در مناطق طبیعی زیبا باشد که توسط مردم محلی صورت می‌گیرد، اما در زمینه درگیری بین دولت ترکیه و اقلیت کرد این مفهوم، معنای جدیدی به خود می‌گیرد. در اینجا سدها به خاطر پیامد منفی خود بر میراث فرهنگی نواحی کردنشین و جمعیت ساکن آن، مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌ویژه سد ایلیسوکه برای غرق کردن شهر باستانی «حسکیف»^۱ و محیط پیرامون آن، برنامه‌ریزی شده است. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مانند پروژه حقوق بشر کردستان عراق علیه ساخت سد مبارزه کرده‌اند و از طرح به خاطر پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی آن، از جمله آوارگی اجباری روستاییان و از میان رفتن فرهنگ باستانی در منطقه کردنشین انتقاد کرده‌اند. این سد به پاک‌سازی فرهنگی از تاریخ باستانی کردها خواهد انجامید (جونگردن، ۲۰۱۰: ۱۴۱). همچنین اجرای این پروژه و تخریب مناطق قدیمی و بعضاً باستانی برای ساخت سدها و نیروگاه‌ها، موجب کوچ اجباری بخش‌هایی از روستانشینان و شهرنشینان کُرد از موطن اصلی‌شان به دیگر مناطق، از جمله مناطق مرکزی ترکیه شده است. به‌گونه‌ای که تکمیل این طرح موجب کوچ اجباری نزدیک به دو میلیون کُرد خواهد شد. از سوی دیگر توسعه‌یافتگی نواحی جنوب شرقی و مهاجرت دیگر اقوام به آنجا، موازنه جمعیتی را به زیان کردها تغییر خواهد داد. جمعیت باقیمانده کردها نیز با نگرش به میزان اشتغال ایجاد شده، به نوعی در رویکرد سیاست توسعه‌ای دولت هضم شده و از جذب آنها به واسطه فقر و معضلات معیشتی به معارضان به‌ویژه پی.کا.کا اجتناب می‌شود. نوعی رویکرد اجتماعی‌سازی که قومیت‌ناراضی و مخالف کُرد را به شهروندان مطلوب دولت ترکیه تبدیل می‌کند (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۷: ۸-۹).

چهارم؛ افزون بر این، سازمان‌های کرد معارض به مهره‌ای در بازی‌های هموردی منطقه‌ای مبدل شده‌اند. بر این پایه، بسیاری از تحلیلگران یکی از مهمترین اهداف این سدسازی‌ها را گرفتن دست بالاتر ترکیه در گفتگوها و منازعات منطقه‌ای در رابطه با کردها می‌دانند. در سال ۱۹۹۲

۱. حسکیف شهری باستانی در کرانه رودخانه دجله است که در استان بتمن در جنوب خاوری ترکیه واقع است. شهری در مسیر جاده ابریشم، که پیشینه آن به بیش از ۱۰۰۰۰ سال پیش بر می‌گردد. در سال ۳۶۳ م رومی‌ها دو قلعه در این منطقه بنا کردند، اما پس از حمله اعراب در سال ۶۴۰ م به نام "Hisn Kayfa" (قلعه سنگی) نامیده شد که بعدها به "Hasankeyf" تغییر یافت (www.turkishculture.org). ویرانی این مکان تاریخی به نابودی فرهنگی بزرگ برای کردها و به‌طور بالقوه کل بشریت است، چرا که غنای باستان‌شناسی این شهر هنوز به طور کامل ارزیابی نشده است. باستان‌شناسان بر این باور هستند که یافته‌های این منطقه می‌تواند به پیوند انسان غارنشین و انسان امروزی بیانجامد (ماچوفسکی، ۲۰۱۰/۶/۱۴).

نخست‌وزیر وقت ترکیه سلیمان دمیرل گفت: «تا زمانی که کشورهای عراق و سوریه با پی. کا. کا همکاری می‌کنند بر سر میز مذاکره درباره آب نخواهد نشست». در همین سال و با ساخت سد آتاترک روی رود فرات، وضعیتی ایجاد شد که به درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر سر آب در عراق انجامید. این درحالی است که در گفتگوهای سال ۱۹۸۷ توافق صورت گرفت که به ازای دریافت ۵۰۰ مترمکعب درثانیه، آب از رود فرات به سوریه روان شود. در مقابل دمشق نیز تعهد کرد که فعالیت گروه‌های مسلح چپ و حزب کارگران کردستان (پی. کا. کا) در داخل مرزهای سوریه را به عنوان فعالیت‌های تروریستی بشناسد (جونگردن، ۲۰۱۰: ۱۳۹-۱۴۰). این دروضعیتی است که با وجود تغییر و تحولات ژئوپلیتیک منطقه در سال‌های اخیر این مسئله همچنان حائز اهمیت است. در ژوئن ۲۰۱۸ "حاکم الزاملی" از رهبران جریان «صدر» و رئیس کمیسیون امنیت و آسایش مجلس عراق، در گفتگو با سایت خبری کردی زبان «اس. ان. ان»، گفت که: «اگر دولت ترکیه و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور این کشور به روند ایجاد مشکل در حوزه آب عراق ادامه دهند و آب رود دجله را برای کشورنگشایند و حاضر به حل این مشکل از راه گفتگو و راهکارهای دیپلماتیک نباشند، دولت عراق نیز می‌تواند کارت فشارهای خود علیه ترکیه را به کارگیرد. وی افزود که مهم‌ترین کارت فشار عراق، استفاده از نیروهای پی. کا. کا علیه ترکیه است و اگر اقدامات غیرانسانی ترکیه به جایی برسد که مردم عراق را از آب آشامیدنی و حقایق خود محروم کند، این اقدام به مثابه اعلام رسمی جنگ خواهد بود و به همین دلیل نیروهای پی. کا. کا، یکی از راهکارهای مقابله عراق با ترکیه است» (وب‌گاه کُردپرس، بی‌تا).

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در عصر جدید هم از نظر معنایی و هم به لحاظ نظری «امنیت» و «توسعه» بسیار درهم تنیده شده‌اند. به طوری که امروزه مفاهیمی همچون امنیت انسانی، امنیت اجتماعی، توسعه همه جانبه، توسعه انسانی و توسعه پایدار اشتراکات فراوانی دارند. از طرفی، تحولات امنیتی و توسعه‌ای در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که نا امنی ریشه‌های توسعه‌ای فراوانی دارد و در توسعه نیافتگی نیز عوامل امنیتی مداخله دارند. در این باره، گرچه برخی کارشناسان هم پوشانی‌های مفهومی میان تعاریف جدید از امنیت و توسعه را موجب ابهام‌آلود شدن ماهیت ارتباطی آنها می‌دانند. اما بی‌عدالتی اجتماعی به ویژه نابرابری افقی فقر، نابودی منابع طبیعی، ساختار اقتصادی جمعیت و بیکاری تنها تعدادی از ریشه‌های توسعه‌ای ناامنی‌اند، که به ایجاد چرخه توسعه نیافتگی - ناامنی دامن می‌زنند. ازسویی، ریشه‌های امنیتی توسعه نیافتگی نیز فراوانند. مثلاً یک بخش امنیتی بدون نظارت و غیرمسئول به راحتی به حقوق توسعه تجاوز می‌کند، آزادی و حقوق مدنی جامعه

را سلب می‌کند، در تولید فقر سهیم می‌شود، اقتصادرانی بلعد، بی‌ثباتی می‌آفریند و توسعه سیاسی را متوقف می‌سازد. در این وضعیت امنیت- توسعه درسیکلی معیوب گرفتار می‌شود که به باز تولید ناامنی و توسعه نیافتگی می‌پردازند. دولتی ضعیف و ناتوان به تقویت ریشه‌های توسعه‌ای ناامنی دامن می‌زند و ظرفیت بالفعل خشونت را افزایش می‌دهد در حالی که توانی هم برای کنترل ناامنی ندارند. ناامنی نیز زمینه‌های لازم برای توسعه را از میان می‌برد.

در چنین شرایطی، توان حکومت‌ها برای حرکت در مسیر توسعه، رفاه و پیشرفت مداوم به مبنای مشروعیت و امنیت ملی تبدیل شده است. به طوری که همه دولت‌ها علیرغم خط‌مشی‌های اقتصادی و سیاسی مختلفی که دارند، در سیاست اقتصادی خویش معمولاً چند هدف مشترک را دنبال می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود: رونق و رشد اقتصاد ملی، صنعتی شدن، افزایش رفاه‌استاندارد زندگی شهروندان، حداقل‌سازی بیکاری و تورم، کاهش فاصله طبقاتی، کاهش وابستگی به خارج، ثبات اقتصادی و ارتقاء جایگاه اقتصاد ملی در عرصه بین‌المللی. این بدین معناست که، نه می‌توان امنیت را فدای توسعه کرد و نه توسعه را فدای امنیت. این دو، مکمل هم هستند و بدون یکی از آنها، دیگری هم با تهدید مواجه خواهد شد. امنیت بدون توسعه، پایدار نخواهد بود و تصور «توسعه پایدار» بدون امنیت نیز دشوار است. دولت‌هایی که این تحول را درک نکرده و در دستور کارهایشان لحاظ ننموده‌اند، یا در وضعیت عقب‌ماندگی هستند و یا امنیت پایدار ندارند. البته ممکن است هم عقب‌مانده و هم فاقد امنیت پایدار باشند. ضمن اینکه دولت‌هایی که سیاست توسعه محور داشته‌اند در افزایش قدرت و تقویت امنیت ملی نیز موفق تر بوده‌اند.

با این اوصاف، رهبران ترکیه فارغ از دیدگاه امنیت محوری که به منطقه و پروژه گاپ دارند. با نگاهی توسعه محور در اشاعه زیرساخت‌های آبی، امکان استفاده از جغرافیا و مهندسی را برای پاسداری از همگرایی ملی، پیوستگی سرزمینی و امنیت در برابر جریان‌های واگرای کردی بی‌تاثیر نمی‌دانند. در واقع طرح «گاپ» به عنوان راهبردی هیدروپلیتیک در جنوب شرق ترکیه، از سوی مقامات این کشور به عنوان استراتژی پایدار (قدرت نرم)، مورد توجه قرار گرفته است. در این باره راهبرد اصلی این پروژه برانگاره عدالت و مشارکت در توسعه، حفاظت از محیط زیست، اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها و مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری پی‌ریزی شده است که با حذف نابرابری‌های ناحیه‌ای به واسطه افزایش سطح درآمد و استانداردهای زندگی مردم و نیز افزایش اهداف تولیدی و اشتغال بخش روستایی به توسعه ملی (مانند ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی) کمک خواهد کرد. یافته‌ها حاکی از آن هستند که جریان‌های معارض واگرای کرد به ویژه در قالب پی.کا.کا می‌توانند احساسات و نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی برخاسته از فقر و محرومیت در جنوب شرق آناتولی را به اهداف‌شان پیوند بزنند. از این رو، منطق حکم می‌کند که منطقه از نظر اقتصادی توسعه یابد. ذهنیت قلمروداران ترکیه بر این انگاره استوار است که در صورت پیاده‌شدن این طرح و بهبود

وضعیت معیشتی، مردم این منطقه دیگر از پیوستن و هواداری از پی.کا.کا خودداری خواهند کرد. افزون بر این، پهنه‌های آبی در قالب سدها در برابر فعالیت نظامی گروه‌های ناحیه‌گرای کرد به عنوان مانع فیزیکی (قدرت سخت) عمل خواهد کرد. در واقع، ترکیه در برخورد با واگرایان پی.کا.کا، از این منابع آبی به عنوان فرصت و برگ برنده استفاده می‌کند. به گونه‌ای که با تکمیل این پروژه سدها شهر و روستا از نواحی کردنشین جنوب‌شرق در زیردریاچه‌های مصنوعی غرق خواهند شد. بدین ترتیب، شبه‌نظامیان کرد افزون بر اینکه نمی‌توانند در سدها روستای غرق شده پنهان شوند، دریاچه‌ها را به عنوان مانع جدی حرکت بر سر راه خود خواهند داشت.



نمودار شماره ۲. نسبت همگرایی ملی با رویکرد هیدروپلیتیک

منابع

- اس.گری، تیم؛ و دولتیار، مصطفی (۱۳۸۹). سیاست آب در خاورمیانه (مترجم: رسول افضلی و رضا التیامی‌نیا). تهران: نشر چاپ و نشر بین‌الملل.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۸۳: ۳۶-۵.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۸۹). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*. تهران: نشر پیام نور.
- رشیدی‌نژاد، احمد؛ کاویانی‌راد، مراد؛ و متقی، افشین (۱۳۹۹). تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی: نمونه پژوهی ابرسازه سد راغون در تاجیکستان. *فصلنامه آب و توسعه پایدار*. پذیرش شده و در نوبت چاپ.
- سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲). *سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد ابرت گر*. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، زمستان ۱۳۸۲.
- صبوری، ضیاءالدین؛ و علی‌نژاد، حامد (۱۳۹۶). تاثیر تحول سیاست داخلی آنکارا نسبت به مساله کردها بر روابط ترکیه و عراق. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۶(۱): ۲۲۴-۱۹۵.
- صفاریان، محسن؛ ادهمی، عبدالرضا؛ و مرادی، علی (۱۳۹۹). شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). *فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۲۱(۴۹): ۲۸۷-۲۵۵.
- عبدی، عطاءالله؛ و مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲). همگرایی در آذربایجان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۵۳): ۱۴(۱): ۷۲-۵۱.
- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳). *دیپلماسی آب*. از منازعه تا همکاری. *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی*، ۳(۴): ۱۱۹-۹۱.
- عزیز، آریا (۱۳۹۶). *بایدها و نبایدهای مشروعیت‌جدایی استقلال اقلیم کردستان در حقوق بین‌الملل*. *فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار*، ۳(۳): ۹۸-۷۵.
- علیزاده، علی (۱۳۹۲/۲/۱۰). مساله کردها و پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- کاویانی‌راد، مراد؛ متقی، افشین؛ مختاری‌هشی، حسین؛ و رشیدی‌نژاد، احمد (۱۳۹۹). تبیین کارکرد رودهای مرزی در همکاری‌های هیدروپلیتیک: نمونه پژوهی رودخانه دانوب. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. پذیرش شده و در نوبت چاپ.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۸). *هیدروپلیتیک: سویه‌ها و رویکردها*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول.
- کاویانی‌راد، مراد؛ آذرخواه، یدالله؛ و شیخانی، عبدالمهدی (۱۳۹۵). «تبیین آثار مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران». *مجله جغرافیای سیاسی*، ۱۱(۱): ۲۵-۱.
- کریمی‌پور، یدالله؛ و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸). *ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران*. تهران: نشر انتخاب.
- کولایی، الهه؛ حریری، رحمان؛ و اسدی‌کیا، بهناز (۱۳۹۵). مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۲(۳): ۲۷-۱.

- کیانی، احسان (۱۳۹۷). نقش رژیم صهیونیستی در سدسازی‌های ترکیه. *اندیشکده راهبردی تبیین*، ۱۰ تیر ۱۳۹۷. کدخبر ۲۶۸۳۱؛ تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۴/۱۰؛ به آدرس <http://tabyincenter.ir/26831>.
- نساج، حمید (۱۳۹۲). مقایسه‌ی نوسازی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲(۵): ۱۳۰-۱۰۱.
- نصری، قدیر؛ و رضایی، داوود (۱۳۹۲). امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه امنیت پژوهی*. ۱۲(۴۴): ۵۶-۲۹.
- وینترز، چیس (۲۰۱۸). کردها کیستند و چه می‌خواهند؟ (مترجم: عاصف حسینی). خبرگزاری دویچه وله فارسی؛ ۵ بهمن ۱۳۹۶. تاریخ دسترسی: 2018/1/25؛ به آدرس www.dw.com/fa-af/a-42302490.
- (۱۳۹۷). عراق در صورت ادامه مشکل آب، نیروهای پی ک ک را علیه ترکیه به کار می‌گیرد. خبرگزاری کردپرس؛ ۲۸ تیر ۱۳۹۷. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۳/۲۸؛ به آدرس <http://kurdpress.com/details.aspx?id=17015>.
- Alkhafaji, H (2018). Iraq's Water Crisis Challenges and Solutions- Al-Bayan Center for Planning and Studies.
- Adeel, Z (2015). WATER COOPERATION: Views on Progress and the Way Forward. United Nations University Institute for Water, Environment and Health (UNU-INWEH) (Hamilton, Ontario, Canada).
- Abdie, A and Maghsoudi, M (2013). Convergence in Azerbaijan. *National Studies Quarterly*. 14 (1).
- Azizi, A. (2017). The Duty and the Necessity of the Legitimacy of the Separation of the Kurdistan Region's Independence in International Law. *Journal of Legal and Legal Sciences*. Third period, autumn 2017.
- Conde, G (2016). Water and Counter-hegemony: Kurdish Struggle in the Tigris and Euphrates in Turkey- El Colegio de Mexico, México- ISSN 1988-7221
- De Queiroz, A and Tiburcio James, F (2018). The Effectiveness of Governance Mechanisms in Scenarios of Water Scarcity: The Cases of the Hydro political Complexes of Southern Africa and Jordan River Basin. *Economics, Law and Policy*. ISSN 2576-2060.
- Glass, S (2017). Twisting the Tap: Water Scarcity and Conflict in the Euphrates-Tigris River Basin. Independent Study Project (ISP) Collection. 2594. https://digitalcollections.sit.edu/isp_collection/2594.
- Hafeznia, MR (2006). The Kurdish Autonomy of the Iraqi Kurds on the Neighboring Countries. *Geographical Researches Quarterly Journal*, 83.
- Hafeznia, M R and Kavianirad, M (2006). The Role of Ethnic Identity in National Solidarity: Case Study of Baloch Nation. *Research Journal of Isfahan University*, 20 (1).
- Husseini, k (2015/12/20). Great Kurdistan; Dream of a Series Association in Mahabad. www.radiofarda.com/a/fk-fergheh-e16/27438465.html.
- Hafeznia, MR (2002). Political Geography of Iran. Samt Publications.
- Jongerden, J (2010). Dams and Politics in Turkey: Utilizing Water, Developing conflict. www.academia.edu/278072/Dams_and_Politics_in_Turkey_Utilizing_Water_Developing_Conflict.
- <https://mepc.org/dams-and-politics-turkey-utilizing-water-developing-conflic>.
- Kankal, M, Naca, S, and Uzlu E (2016). Status of Hydropower and Water Resources in the Southeastern Anatolia Project (GAP) of Turkey. ISSN: 2352-4847.
- Kaviani Rad, M (2017), Hydrophilic Course Notes, Kharazmi University Unpublished.

- Kavianirad, M, Azarakhah, Y, and Shaikhani, A. (2016). Explaining the Effects of Geographic Scales on the Formation of Regionalism in Southeast Iran. *Political Geography Quarterly*, The first year, No 1.
- Kavianirad, M (2019), Hydro-politics: Strains and Approaches, First Edition. Tehran, Research Institute for Strategic Studies.
- Karimipour, Y, and Mohammadi, H R (2009). Geopolitics of regionalism and Country Divisions of Iran. Publishing Selection.
- Machowski, M. (2010/6/14).Kurds in the Hydro-Politics of the Region. www.matthewmachowski.com/2010/06/kurds-iraq-water-politics.html
- Nasaj, H (2013). Comparison of Modernization of Iran and Turkey during Reza Shah and Atatürk. *Quarterly of Strategic Policy Studies*. Second year, No. 5, summer 2013.
- Ozkahraman, C (2017). Water power: the Domestic and Geostrategic Dimensions of Turkey's GAP Project, Conflict, Security & Development, 17(5):411-428: <http://dx.doi.org/10.1080/14678802.2017.1371988>.
- Oughton, E (2013). The Impact of the Southeast Anatolia Project (GAP) on Displaced Families: Household Livelihoods and Gender Relations. A Thesis Submitted to the Newcastle University in Fulfilment for the Degree of Doctor of Philosophy. Supervisors: Guy Garrod. Cigdem Kurt School of Agriculture Food and Rural Development Newcastle University.
- Otto, B, and Schleifer, L (2020/2/10). Domestic Water Use Grew 600% Over the Past 50 Years. World Researches Institute . Access Date: February 10, 2020. Address: <https://www.wri.org/blog/2020/02/growth-domestic-water-use>.
- Philipo, j (2016/6/23).Dams Power Turkey's Conflict With the Kurds. <https://worldview.stratfor.com/article/dams-power-turkeys-conflict-kurds>.
- Rezaei, D, Sekkeravani, S, Chenari, M F, and Dashti, S F (2018). Study the Iranian Hydro- political Challenges in the Shared Drainage Basins with Neighboring Countries. IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS). ISSN: 2279-0837, p-ISSN: 2279-0845.
- Schinkelshoek, R (2017). Who turns the tap? The impact of non-state actors on the hydro-hegemony of Turkey. Thesis MA Modern Middle East Studies. Leiden University- Supervisor: Dr. R. Meijer.
- Tsakalidou, I (2013). The Great Anatolian Project: Is Water Management a Panacea or Crisis Multiplier for Turkey's Kurds? Eidgenössische Technische Hochschule Zürich. 13 Aug 2013. Address <https://css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/167922>.
- Winters, Ch (2018/1/25). What are the Kurds and what do they want? Translation by Asif Hosseini. Deutsche Welle Farsi.
- Worcester, M (2016). Water Security -A Source of Future Conflicts? Institut für strategy- politic- sicherheits und wirtschaftsberatung. Berlin.
- Website Republic of Turkey Ministry of Industry and Technology. What's GAP? Address: <http://www.gap.gov.tr/en/what-is-gap-page-1.html>.
- Website cool geography. Water-Reasons for rising consumption. Gamesby, Rob. Address: https://www.coolgeography.co.uk/gcsen/CRM_Water_Reasons.php .
- Website all about turkey. Gap Project South Eastern Anatolian Project. Access date: 2017/7/18. Address: <https://www.allaboutturkey.com/gap.htm>.
- Website Turkish culture. Hasan keyf. Address: www.turkishculture.org/archaeology/hasankeyf-1082.htm.